Rural Development Strategies
Homepage: https://rdsj.torbath.ac.ir
Vol. 13, No. 1, 2026, p. 123-147

Investigating the Role of Microcredit Funds in Empowering Rural Women in Kerman Province

Mahdiyeh Saei[1*] and Arman Bakhshi Jahromi[2]

1- Economic, Social and Extension Research Department, Kerman Agricultural and Natural Resources Research and Education Center, AREEO, Kerman, Iran
2- Economic, Social and Extension Research Department, Fars Agricultural and Natural Resources Research and Education Center, AREEO, Shiraz, Iran.

A R T I C L E INFO
Article type:
Research Article
Article history:
Submitted: 6 May 2026
Revised: 14 September 2026
Accepted: 23 September 2026
Available Online: 2 October 2026

Keywords:
Employment creation
Empowerment
Improving household welfare
Microcredit
Rural women.

A B S T R A C T
The establishment of microcredit funds has become a popular approach to empowerment in developing countries in the past two decades. These programs are designed and implemented with the aim of creating sustainable employment, increasing income, reducing poverty, and improving the quality of life of rural women and their families. The present study is applied in terms of purpose and descriptive-analytical in terms of method, which was conducted with a survey approach. The statistical population of the study consisted of rural women who are members of active microcredit funds in the province (1688 people). Among the counties of Kerman province, five counties were selected using purposive sampling based on geographical distribution and diversity of socio-economic conditions. The number of active funds in the province is 136, of which 91 members of the aforementioned funds were selected using a multi-stage stratified sampling method with proportional assignment. Data were collected using a researcher-made questionnaire based on previous studies and the opinions of experts. This questionnaire consisted of two sections: questions related to personal and economic characteristics and questions related to measuring the dimensions of rural women's empowerment based on 35 items in four dimensions, with responses based on a five-point Likert scale from "very low" to "very high." The content validity of the questionnaire was assessed by experts and its reliability was assessed using Cronbach's alpha coefficient, and its value was 0.939. The results showed that the average of women's social empowerment index was significantly higher than the theoretical value ($p<0.001$) and the average of household economic empowerment indices ($p=0.009$) and household welfare improvement ($p<0.001$) were significantly lower than the theoretical value. The employment creation and income earning opportunities index also did not show a significant difference from the theoretical value ($p=0.829$). Also, a negative and significant correlation was observed between age and employment creation and economic empowerment indices, but no significant relationship was obtained between the amount of the last loan received and empowerment indices. In addition, there was a significant difference between empowerment indices, such that social empowerment had the highest rank and household welfare improvement had the lowest rank.

Cite this Article:
Saei, M., and Bakhshi Jahromi, A .2026. Investigating the Role of Microcredit Funds in Empowering Rural Women in Kerman Province. *Rural Development Strategies, 13*(1): 123-147. https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.580635.2279.

Corresponding author email: m_saeey@yahoo.com

Print ISSN: 2383-2657 Online ISSN: 2383-1995
https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.580635.2279

© 2026, University of Torbat Heydarieh. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC BY 4.0).

فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی
جلد۱۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵ ص. ۱۴۷-۱۲۳
Homepage: https://rdsj.torbath.ac.ir

بررسی نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی استان کرمان

مهدیه ساعی[۱*] وآرمان بخشی جهرمی[۲]

۱- بخش تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و ترویج کشاورزی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمان، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرمان، ایران

۲- بخش تحقیقات اقتصادی، اجتماعی و ترویج کشاورزی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، شیراز، ایران.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۲۳ شهریور ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۱ مهر ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:

اعتبارات خرد
ایجاد اشتغال
بهبود رفاه خانوار
توانمندسازی
زنان روستایی.

چکیده

راه‌اندازی صندوق‌های اعتبارات خرد در دو دهه گذشته، به رویکردی محبوب برای توانمندسازی در کشورهای در حال توسعه (از جمله کشور ما) تبدیل شده است. این برنامه‌ها با هدف ایجاد اشتغال پایدار، افزایش درآمد، کاهش فقر و بهبود کیفیت زندگی زنان روستایی و خانواده‌های آن‌ها طراحی و اجرا می‌شوند. پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است که با رویکرد پیمایشی انجام شد. جامعه آماری پژوهش را زنان روستایی عضو صندوق‌های فعال اعتبارات خرد استان، در سال ۱۴۰۳ تشکیل دادند (۱۶۸۸ نفر). از میان شهرستان‌های استان کرمان، پنج شهرستان به‌روش نمونه‌گیری هدفمند با توجه به پراکنش جغرافیایی و تنوع شرایط اقتصادی-اجتماعی انتخاب شد. تعداد صندوق‌های فعال استان ۱۳۶ مورد است که ۹۱ نفر از اعضای صندوق‌های مذکور با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، مبتنی بر مطالعات پیشین و نظر متخصصان جمع‌آوری شد. این پرسشنامه، مشتمل بر دو بخش سؤالات مربوط به ویژگی‌های فردی و اقتصادی و سؤالات مربوط به سنجش ابعاد توانمندسازی زنان روستایی بر پایه ۳۵ گویه در چهار بعد بود که پاسخ‌ها براساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از "بسیار کم" تا "بسیار زیاد" تنظیم شدند. روایی محتوایی پرسشنامه با نظر خبرگان و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد و مقدار آن ۰/۹۳۹ به‌دست آمد. نتایج نشان داد که میانگین شاخص توانمندسازی اجتماعی زنان (M= ۳/۶۸۳) به‌طور معنی‌داری بالاتر از مقدار نظری (p<۰/۰۰۱) و میانگین شاخص‌های توانمندسازی اقتصادی خانوار (M= ۲/۷۸۷) و بهبود رفاه خانوار (M= ۲/۵۷۶) به‌طور معنی‌داری کم‌تر از مقدار نظری قرار داشتند (به‌ترتیب p=۰/۰۰۹ و p<۰/۰۰۱). میانگین شاخص ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد (M=۳/۰۱۷) نیز تفاوت معنی‌داری با مقدار نظری نشان نداد (p=۰/۸۲۹). همچنین، بین سن و شاخص ایجاد اشتغال (p<۰/۰۰۱، r=- /۴۶۰) و توانمندسازی اقتصادی (p<۰/۰۰۱، r=- /۴۶۰) همبستگی منفی و معنی‌دار مشاهده شد، اما بین مبلغ آخرین وام دریافتی و شاخص‌های توانمندسازی رابطه معنی‌داری به‌دست نیامد (p>۰/۰۵). علاوه بر این، میان شاخص‌های توانمندسازی تفاوت معنی‌داری وجود داشت؛ به‌گونه‌ای که توانمندسازی اجتماعی بالاترین و بهبود رفاه خانوار پایین‌ترین رتبه را به‌خود اختصاص داد. بر این اساس، افزایش اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد مستلزم بازنگری در کفایت تسهیلات و همزمانی اعطای وام با آموزش‌های کارآفرینی، حمایت بازاریابی و نظارت بر مصرف تسهیلات، با تأکید بر هدایت منابع به فعالیت‌های مولد و درآمدزا است.

نحوه ارجاع دهی به مقاله: ساعی، م.، و بخشی جهرمی، آ. (۱۴۰۵). بررسی نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی استان کرمان. *راهبردهای توسعه روستایی*، ۱۳(۱)، ۱۴۷-۱۲۳. https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.580635.2279.

نویسندهٔ مسئول: m_saeey@yahoo.com

شاپا چاپی: ۲۳۸۳-۲۶۵۷ شاپا الکترونیکی: ۱۹۹۵-۲۳۸۳
https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.580635.2279

حقوق مولفین به نویسندگان و حقوق ناشر به انتشارات دانشگاه تربت حیدریه داده شده است. این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License) در دسترس شما قرار گرفته است. برای جزئیات این لیسانس، از آدرس https://creativecommons.org/licenses/by/4.0 دیدن فرمائید.

مقدمه

اشتغال و ایجاد فرصت‌های درآمدی از ارکان اساسی توسعه پایدار روستایی و یکی از مهم‌ترین ابزارهای کاهش فقر، بهبود رفاه خانوار و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان مناطق روستایی به‌شمار می‌رود. با وجود این، بیکاری و محدودیت فرصت‌های شغلی به‌ویژه در مناطق روستایی، همچنان یکی از چالش‌های مهم بسیاری از کشورهاست و پیامدهای آن ابعاد اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ایران نیز بیکاری یکی از چالش‌های مهم اقتصادی و اجتماعی محسوب می‌شود. از این‌رو، توسعه فرصت‌های اشتغال، به‌ویژه برای زنان روستایی، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌های توسعه بوده است؛ زیرا محدودیت فرصت‌های اشتغال از مهم‌ترین عوامل مهاجرت روستاییان به شهرها به‌شمار می‌رود. تداوم این روند علاوه بر گسترش حاشیه‌نشینی و افزایش فشار بر خدمات شهری، موجب خروج جوانان و افراد دارای سرمایه انسانی از روستاها، کاهش ظرفیت تولید و تضعیف فرآیند توسعه درون‌زای مناطق روستایی می‌شود. اهمیت اعتبارات خرد در کاهش فقر، توسعه کسب‌وکارهای کوچک و توانمندسازی اقشار کم‌درآمد موجب شده است که این رویکرد در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرد؛ به‌طوری‌که سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را به‌عنوان «سال بین‌المللی اعتبارات خرد» نام‌گذاری کرد. اعتبارات خرد، یکی از ابزارهای توسعه‌ای برای تسهیل دسترسی اقشار کم‌درآمد، به‌ویژه زنان روستایی، به منابع مالی است که با هدف ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی آنان ارائه می‌شود (ساعی و ضیایی، ۱۳۹۵؛ رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۵). اعتبارات خرد در بسیاری از کشورها به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاستی برای کاهش فقر، افزایش درآمد و حمایت از اشتغال خرد مورد استفاده قرار گرفته است (بهزادی، ۱۳۸۸).

یکی از نیازهای اساسی برای ایجاد کسب و کار، به‌ویژه کسب و کارهای خرد در نواحی روستایی، تأمین مالی است؛ اما دستیابی به وجوه موردنیاز برای راه‌اندازی کسب و کار، همواره به‌عنوان یک چالش جدی برای کارآفرینان روستایی مطرح است (اسلامی بیدگلی و بیگدلو، ۱۳۸۴). ساتیاباما[1] (۲۰۱۰) در مطالعه خود بیان کرد، اعتبارات خرد به‌عنوان راهبردی در فرآیند توسعه به‌شمار می‌رود که هدف آن دسترسی زنان و مردان کم‌درآمد به منابع اعتباری است تا به موجب آن توانایی اقتصادی و اجتماعی آن‌ها افزایش یابد. اعتبارات خرد در سال‌های اخیر به‌عنوان مکانیسمی انعطاف پذیر برای دسترسی افراد (به‌ویژه فقرا) به خدمات مالی، گسترش یافته و راهکاری مؤثر برای دستیابی به کاهش فقر و توسعه اجتماعی محسوب می‌شود (وایتاکا[2] و همکاران، ۲۰۱۴)؛ به‌طوری‌که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، وام‌های خرد سبب بهبود رفاه خانواده‌ها، افزایش درآمد و بهبود شرایط زندگی خانوارهای روستایی می‌گردد (لین[3] و همکاران، ۲۰۱۹). پژوهش‌های انجام شده در کشورهای آلمان، هندوستان، بنگلادش، مصر، قبرس و چند کشور دیگر، نشان می‌دهد که این کشورها علاوه بر داشتن بانک‌های کشاورزی و سایر منابع اعتباری، دارای صندوق‌های اعتباری روستایی نیز هستند و نیازهای اساسی روستاییان را برطرف می‌کنند (سلطانوا، ۱۳۸۲). اعتبارات خرد روستایی، شکلی از قرضه‌های کوچکی هستند که به قرض‌گیرندگان فقیر روستایی در جهت خوداشتغالی، توانمندسازی و نهایتاً رسیدن به توسعه پایدار روستایی تعلق می‌گیرد (رحمانی‌فضلی و کاویانی، ۱۳۸۸). اعتبارات خرد با هدف افزایش دسترسی اقشار کم‌درآمد به منابع مالی، حمایت از ایجاد و توسعه فعالیت‌های درآمدزا، توسعه اشتغال و کاهش فقر طراحی شده‌اند. در بعد اقتصادی، این برنامه‌ها با فراهم کردن

1- Sathiabama
2- Waithaka
3- Linh

سرمایه اولیه برای ایجاد یا توسعه کسب‌وکارهای کوچک، زمینه افزایش درآمد و بهبود وضعیت معیشتی خانوار را فراهم می‌کنند. در بعد اجتماعی، اعتبارات خرد از طریق تقویت مهارت‌های شغلی، افزایش مشارکت و همکاری گروهی و ارتقای اعتمادبه‌نفس، به توانمندسازی اجتماعی به‌ویژه زنان روستایی کمک می‌کنند. همچنین، بهبود وضعیت درآمدی و اشتغال می‌تواند به ارتقای رفاه خانوار، کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی و بهبود کیفیت زندگی اعضای خانواده منجر شود (مافی، ۱۳۸۵). از آن‌جا که اغلب کسب‌وکارهای روستایی در مقیاس کوچک و با مشارکت اعضای خانواده اداره می‌شوند، دسترسی آن‌ها به منابع مالی رسمی با محدودیت‌هایی همراه است. بنابراین، صندوق‌های اعتبارات خرد با فراهم کردن دسترسی به منابع مالی خرد، می‌توانند نقش مهمی در ایجاد و توسعه این کسب‌وکارها ایفا کنند.

در دهه گذشته مؤسسات مالی و اعتباری در استان کرمان، وام‌های کوچک خود را با هدف ایجاد اشتغال و توانمندی اقتصادی و اجتماعی زنان کم‌درآمد، به این گروه از اقشار آسیب‌پذیر جامعه پرداخت کرده‌اند. اعتبارات پرداختی تا حدودی توانسته است از طریق ایجاد مشاغل کوچک و زودبازده مانند قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری، کشت زعفران و گیاهان دارویی، پرورش دام، طیور، بوقلمون، زنبورداری و مغازه‌داری برای اعضاء و حتی خانواده‌هایشان کسب درآمد و ایجاد اشتغال نماید. با این‌حال، موفقیت برنامه‌های اعتبارات خرد به نحوه اجرای آن‌ها نیز وابسته است. عواملی مانند ضعف نظارت بر نحوه مصرف تسهیلات، آموزش ناکافی دریافت‌کنندگان، پایین بودن مبلغ وام، ضعف در بازاریابی محصولات و خدمات و آگاهی محدود برخی از اعضاء، موجب شده است بخشی از اعتبارات در فعالیت‌های غیرمولد یا خارج از اهداف برنامه هزینه شود. در نتیجه، این اعتبارات در برخی موارد نه‌تنها به توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی منجر نشده، بلکه با افزایش بدهی و کاهش توان بازپرداخت تسهیلات، زمینه بروز مشکلات اقتصادی بیش‌تری را برای آنان فراهم کرده است. براساس آخرین آمار و اطلاعات موجود در سال ۱۴۰۳، تعداد ۱۸۵ صندوق خرد زنان روستایی و عشایری با تعداد کل اعضای ۵۸۴۱ نفر در استان کرمان وجود داشته است که از این تعداد ۱۳۶ صندوق فعال، ۳۲ صندوق نیمه‌فعال و ۱۷ صندوق غیرفعال بوده‌اند (مدیریت هماهنگی ترویج سازمان جهادکشاورزی استان کرمان، ۱۴۰۳). برخی صندوق‌های اعتبارات خرد در سال‌های اخیر با کاهش یا عدم فعالیت مواجه شده‌اند. این وضعیت را می‌توان حاصل مجموعه‌ای از عوامل دانست. از جمله عوامل مدیریتی، ضعف در مدیریت صندوق‌ها؛ از نظر مالی، کمبود بودجه، نقدینگی ناکافی و محدودیت در تخصیص تسهیلات؛ از نظر نهادی، حمایت ناکافی و عدم تأمین تجهیزات مورد نیاز از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط؛ از نظر بازاری، مشکلات بازاریابی محصولات اعضاء؛ و از نظر رفتاری، تأخیر برخی اعضاء در بازپرداخت اقساط وام است. این عوامل در مجموع می‌توانند پایداری و اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد را با چالش مواجه سازند. در واقع مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که با وجود اعطای تسهیلات خرد به زنان روستایی در استان کرمان، نقش این تسهیلات در توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و رفاهی آنان به‌طور دقیق مشخص نمی‌باشد.

پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر، مطالعات متعددی در داخل کشور به بررسی نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی، به‌ویژه توانمندسازی زنان، پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات به‌طور کلی نشان می‌دهد که دسترسی زنان روستایی به اعتبارات خرد، ضمن تسهیل تأمین سرمایه اولیه برای فعالیت‌های تولیدی و خدماتی، موجب ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای کوچک، افزایش درآمد، توسعه اشتغال، کاهش

فقر و بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها شده است. در همین راستا، فقیری و همکاران (۱۳۹۳)، رضوانی و همکاران (۱۳۹۴)، توکلی و موحدی (۱۳۹۵)، ساعی و ضیایی (۱۳۹۵)، روستایی (۱۳۹۶) و عبدی و همکاران (۱۴۰۰) همگی گزارش کرده‌اند که اعتبارات خرد نقش مؤثری در بهبود شاخص‌های اقتصادی روستاها، افزایش درآمد، توسعه اشتغال و پایداری معیشت خانوارهای روستایی داشته است.

بخش دیگری از پژوهش‌ها، توانمندسازی زنان روستایی را محور اصلی بررسی قرار داده‌اند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که عضویت در صندوق‌های اعتبارات خرد، علاوه بر بهبود وضعیت اقتصادی، موجب ارتقای مشارکت اجتماعی، افزایش اعتمادبه‌نفس، تقویت قدرت تصمیم‌گیری، توسعه مهارت‌های شغلی، گسترش کارآفرینی و بهبود کیفیت زندگی زنان شده است. این نتایج در پژوهش‌های گنج‌خانی (۱۳۹۴)، صالحی و همکاران (۱۳۹۵)، مظفری و ضیایی (۱۳۹۶)، سعیدی و همکاران (۱۳۹۷)، محمدی و همکاران (۱۳۹۷)، موسوی (۱۳۹۷)، بازیاری و خسروی‌پور (۱۳۹۸)، سراوانی (۱۳۹۹) و مقدس‌فریمانی و همکاران (۱۳۹۹) نیز تأیید شده است. این مطالعات به‌طور مشترک بیان می‌کنند که اعتبارات خرد، زمانی بیش‌ترین اثربخشی را دارد که با آموزش، فعالیت‌های گروهی، مشاوره و مشارکت اجتماعی اعضاء همراه باشد.

در مقابل، همه پژوهش‌ها نتایج کاملاً مشابهی ارائه نکرده‌اند. برخی مطالعات نشان داده‌اند که اگرچه اعتبارات خرد توانسته است برخی شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی را بهبود بخشد، اما میزان این اثرگذاری در همه مناطق یکسان نبوده است. زنده‌دل (۱۳۹۵)، وفایی (۱۳۹۶)، اللهی‌چترودی‌نژاد (۱۴۰۱)، بوزرجمهری و همکاران (۱۴۰۱) و شجری (۱۴۰۱) گزارش کرده‌اند که پایین بودن مبلغ وام، کاهش ارزش واقعی تسهیلات در اثر تورم، مصرف اعتبارات در فعالیت‌های غیرتولیدی، ضعف آموزش‌های قبل از اعطای وام و نبود حمایت‌های پس از پرداخت تسهیلات، از مهم‌ترین عوامل کاهش اثربخشی صندوق‌های اعتبارات خرد بوده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که موفقیت برنامه‌های اعتبارات خرد، صرفاً به پرداخت وام وابسته نیست، بلکه کیفیت اجرای برنامه‌ها و خدمات پشتیبان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

از سوی دیگر، گروهی از پژوهشگران به بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد پرداخته‌اند. نتایج این مطالعات نشان می‌دهد که عواملی مانند سطح تحصیلات اعضاء، میزان آموزش‌های فنی و ترویجی، مشارکت فعال در برنامه‌های صندوق، دسترسی به خدمات مشاوره‌ای و ویژگی‌های اقتصادی خانوار، نقش مهمی در افزایش اثربخشی اعتبارات خرد و توانمندسازی زنان روستایی دارند. در مقابل، برخی ویژگی‌ها مانند افزایش سن، بعد خانوار و محدودیت منابع مالی می‌توانند اثربخشی این برنامه‌ها را کاهش دهند (قدیری‌معصوم و احمدی، ۱۳۹۴؛ سعیدی و همکاران، ۱۳۹۷؛ دری، ۱۴۰۱؛ کیانی و قنبری، ۱۴۰۱).

مطالعات خارجی نیز تا حد زیادی با یافته‌های پژوهش‌های داخلی همسو هستند. نتایج پژوهش‌های آمپا[1] و همکاران (۲۰۱۷)، دینگ[2] (2018)، Akhtar اختر و چنگ[3] (۲۰۲۰)، شفیقه و نعیم‌خان[4] (۲۰۲۰)، حسن[5] (۲۰۲۰)، برهانو و همکاران[6] (۲۰۲۱)، کیروا و سابن–فوسا[7] (۲۰۲۲)، ایرگه[8] و همکاران (۲۰۲۲)، آساموآ[9] (۲۰۲۳)، اگبوکلو و اوزکان[10] (۲۰۲۳) و منگشا و میشرا[11] (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که اعتبارات خرد، در بیش‌تر کشورها موجب افزایش درآمد، توسعه فعالیت‌های اقتصادی، بهبود امنیت غذایی، ارتقای استانداردهای زندگی، افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان و

1. Ampa
2. Ding
3. Akhter and cheng
4. Shafique and Naeem Khan
5. Hassen
6. Berhanu
7. Kyerewaa and Saben-Fosu
8. Irge
9. Asamoah
10. Agboklou and Ozkan
11. Mengesha and Mishra

کاهش فقر شده است. با این حال، این مطالعات نیز تأکید می‌کنند که اثربخشی اعتبارات خرد تحت تأثیر عواملی نظیر مبلغ وام، نرخ بهره، شرایط بازپرداخت، آموزش، سطح تحصیلات، ویژگی‌های اقتصادی خانوار و دسترسی به بازار قرار دارد و در صورت ضعف این عوامل، میزان موفقیت برنامه‌های اعتباری کاهش می‌یابد.

در مجموع، مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که درباره نقش مثبت اعتبارات خرد در بهبود شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و رفاهی زنان روستایی، اتفاق‌نظر نسبی وجود دارد؛ اما درباره میزان و پایداری این اثرات، نتایج یکسان نیست. این تفاوت‌ها را می‌توان ناشی از تفاوت در شرایط اقتصادی و اجتماعی مناطق، ویژگی‌های اعضای صندوق‌ها، نحوه اجرای برنامه‌های اعتباری و میزان دسترسی اعضاء به خدمات پشتیبان دانست. همچنین، بخش عمده مطالعات پیشین بر یک یا چند بعد محدود از توانمندسازی، مانند اشتغال، درآمد یا توانمندسازی اقتصادی تمرکز داشته‌اند و کم‌تر مطالعه‌ای به‌صورت هم‌زمان، ابعاد مختلف توانمندسازی زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد را بررسی کرده است. با توجه به تفاوت شرایط اقتصادی، اجتماعی و نهادی استان‌های مختلف، تعمیم نتایج پژوهش‌های پیشین به سایر مناطق با محدودیت همراه است.

از سوی دیگر، با وجود انجام مطالعات متعدد درباره صندوق‌های اعتبارات خرد، شواهد تجربی درباره میزان اثربخشی این صندوق‌ها در استان کرمان محدود است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی هم‌زمان چهار بعد ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد، توانمندسازی اقتصادی خانواده، توانمندسازی اجتماعی زنان و بهبود رفاه خانوار در میان زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد استان کرمان، تلاش کرده است شواهد جامع‌تری درباره میزان اثربخشی این صندوق‌ها در استان ارائه دهد و خلأ موجود در مطالعات پیشین را تا حدودی پوشش دهد. استان کرمان به‌عنوان پهناورترین استان کشور به دلیل وسعت زیاد، تنوع شرایط جغرافیایی و اقتصادی و پراکندگی صندوق‌های اعتبارات خرد در شهرستان‌های مختلف، از ظرفیت مناسبی برای ارزیابی عملکرد این صندوق‌ها برخوردار است. همچنین، انتخاب شهرستان‌هایی با ویژگی‌های متفاوت از نظر شرایط اقتصادی و جغرافیایی، امکان بررسی نقش صندوق‌های اعتبارات خرد در بسترهای متنوع روستایی را فراهم می‌کند. از این‌رو، ارزیابی ابعاد مختلف توانمندسازی زنان عضو صندوق‌ها در استان کرمان می‌تواند شواهد ارزشمندی برای بهبود سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی فراهم کند.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-همبستگی و داده‌های آن به شیوه پیمایش گردآوری شده است. متغیر وابسته پژوهش، توانمندسازی زنان روستایی است که در چهار بعد شامل ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی اجتماعی و بهبود رفاه خانوار سنجیده شد. متغیرهای مستقل در تحلیل همبستگی، سن، سطح تحصیلات و مبلغ آخرین وام هستند که رابطه آن‌ها با شاخص‌های توانمندسازی بررسی شده است. متغیرهای زمینه‌ای شامل وضعیت تأهل، بعد خانوار، سرپرست خانوار بودن، شغل قبل و بعد از عضویت، نحوه آشنایی با صندوق، نرخ بهره، مدت بازپرداخت وام و رضایت از وام هستند. در سال ۱۴۰۳، تعداد ۱۸۵ صندوق خرد زنان روستایی و عشایری با تعداد اعضای ۵۸۴۱ نفر در استان کرمان وجود داشته که از این تعداد، ۱۳۶ صندوق فعال بوده‌اند. جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل زنان روستایی عضو صندوق‌های فعال اعتبارات خرد استان کرمان در سال مذکور، به تعداد ۱۶۸۸ نفر بوده است (مدیریت هماهنگی ترویج سازمان جهادکشاورزی استان کرمان ، ۱۴۰۳). به‌منظور نمونه‌گیری، ابتدا از میان شهرستان‌های استان کرمان، پنج شهرستان (بردسیر، رفسنجان، زرند، کوهبنان و ریگان)

به‌صورت هدفمند[1] و با در نظرگرفتن پراکنش جغرافیایی استان، تفاوت در سطح توسعه و تنوع شرایط اقتصادی-اجتماعی برگزیده شدند. سپس در مرحله دوم از میان صندوق‌های اعتبارات خرد فعال در این شهرستان‌ها، نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای با انتساب متناسب انتخاب شدند.

روش تعیین حجم نمونه منتخب براساس فرمول کوکران به‌شرح زیر است:

انتخاب حجم نمونه برای جامعه نامحدود:

$$n = \frac{Z^2 \times p \times (1-p)}{E^2} = \frac{(1.96)^2 \times 0.5 \times (1-0.5)}{(0.1)^2} = 96.04 \qquad (۱)$$

n: حجم نمونه موردنیاز

Z: امتیاز Z برای سطح اطمینان موردنظر (برای اطمینان ۹۵٪، Z=1.96)

P: نسبت مورد انتظار ویژگی موردمطالعه در جامعه (اگر مشخص نباشد ۰/۵ در نظر گفته می‌شود تا حداکثر حجم نمونه به‌دست آید)

E: خطای قابل قبول

n حجم نمونه موردنیاز برای یک جامعه نامحدود است. از آن‌جا که حجم جامعه ما ۱۶۸۸ نفر است، باید از فرمول تصحیح برای جوامع محدود استفاده کرد:

$$n_1 = \frac{n}{1+\frac{n-1}{N}} = \frac{96.04}{1+\frac{96.04-1}{1688}} \approx 90.92 \qquad (۲)$$

n_1: حجم نمونه تعدیل شده برای جامعه محدود

n: حجم نمونه محاسبه شده برای جامعه نامحدود (۹۶/۰۴)

N: حجم کل جامعه

برای تخصیص حجم نمونه به شهرستان‌های منتخب، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای با انتساب متناسب، مراحل زیر را دنبال شد:

۱- تعیین سطوح (طبقات): در اینجا شهرستان‌ها به‌عنوان طبقات اصلی در نظر گرفته شدند.

۲- تعیین سهم هر طبقه با دانستن سهم جمعیت هر شهرستان از کل جمعیت (۱۶۸۸ نفر): جمعیت اعضاء صندوق‌های خرد شهرستان رفسنجان ۱۰۱ نفر، ریگان ۵۴۰ نفر، زرند ۸۱۷ نفر، کوهبنان ۱۰۲ نفر و بردسیر ۲۱ نفر است. بدین ترتیب سهم شهرستان رفسنجان از کل جمعیت ۷ درصد، سهم ریگان ۳۳ درصد، سهم زرند ۴۹ درصد، سهم کوهبنان از کل جمعیت ۷ درصد و سهم بردسیر از کل جمعیت ۲ درصد است. سپس این نسبت‌ها به حجم نمونه کل (۹۱ نفر) اعمال شد تا سهم هر شهرستان از نمونه به‌دست آید. بنابراین حجم نمونه شهرستان رفسنجان ۵ نفر، شهرستان ریگان ۲۹ نفر، شهرستان زرند ۴۴ نفر، شهرستان کوهبنان ۵ نفر و شهرستان بردسیر ۲ نفر به‌دست آمد.

داده‌های پژوهش از دو منبع کتابخانه‌ای و میدانی گردآوری شد. داده‌های کتابخانه‌ای برای تدوین مبانی نظری و داده‌های میدانی از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته و مصاحبه جمع‌آوری گردید. ابزار اصلی پژوهش برای گردآوری داده‌های میدانی موردنیاز، پرسشنامه محقق‌ساخته، شامل دو بخش سؤالات باز و بسته و طیفی بوده است. بخش اول سؤالات، مربوط به ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی زنان عضو شامل (سابقه عضویت در صندوق، میزان مبلغ عضویت در صندوق، دفعات دریافت وام و زمینه مورد استفاده از وام) و در ادامه رضایت‌مندی از برنامه اعتبارات خرد بوده است. بخش دوم به بررسی اثرات کسب اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و رفاهی اختصاص یافته است. شاخص‌های در نظر گرفته شده "ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد" با ۶ گویه، "توانمندسازی اقتصادی خانواده" با ۸ گویه، "توانمندسازی اجتماعی زنان" با ۹ گویه و "بهبود رفاه خانوار" با ۱۲ گویه در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از خیلی‌کم=۱ تا خیلی‌زیاد=۵) مورد ارزیابی قرار گرفته است. علاوه بر پرسشنامه برای تکمیل و تفسیر یافته‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با تعدادی از مدیران صندوق‌ها

1. Purposive Sampling

و اعضاء نیز انجام شد.

به‌منظور بررسی روایی ابزار، ابتدا گویه‌های پرسشنامه براساس مبانی نظری و مطالعات پیشین مرتبط با توانمندسازی زنان روستایی و اعتبارات خرد استخراج و متناسب با اهداف پژوهش تدوین شد. برای اطمینان از تناسب گویه‌ها، از نتایج مصاحبه‌های انجام شده با مدیران عامل صندوق‌های اعتبارات خرد نیز استفاده شد. سپس به‌منظور بررسی روایی محتوایی، پرسشنامه در اختیار ده نفر از اعضای هیئت علمی متخصص در حوزه اقتصاد کشاورزی، ترویج و آموزش کشاورزی و پنج نفر از کارشناسان و صاحب‌نظران مرتبط با صندوق‌های اعتبارات خرد قرار گرفت و از نظر تناسب، شفافیت، سادگی و میزان پوشش گویه‌ها نسبت به ابعاد مورد بررسی ارزیابی شد. پس از جمع‌آوری نظرات متخصصان، اصلاحات پیشنهادی اعمال و نسخه نهایی پرسشنامه تهیه شد. براین اساس، روایی محتوایی ابزار به‌روش کیفی مورد تأیید قرار گرفت.

برای سنجیدن پایایی پرسشنامه، به‌وسیله یک مطالعه راهنما ۳۰ نسخه از آن در جامعه‌ای همگن با جامعهٔ آماری تکمیل و برای تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای کل پرسشنامه ۰/۹۳۹ و برای متغیرهای "ایجاد اشتغال"، "توانمندسازی اقتصادی خانواده"، "توانمندسازی اجتماعی زنان" و "بهبود رفاه خانوار" به‌ترتیب ۰/۸۰۸، ۰/۸۹۰، ۰/۸۸۳، ۰/۸۹۸ به‌دست آمد که بیان‌گر پایایی قابل قبول ابزار است. به‌منظور تکمیل ارزیابی پایایی، همبستگی گویه‌ها[1] نیز گزارش شد. همبستگی اصلاح شده گویه‌ها با نمره کل برای سازه‌های "ایجاد اشتغال"در دامنه ۰/۴۴۳ تا ۰/۷۱۲ ،"توانمندسازی اقتصادی خانواده" در دامنه ۳۳۲/ تا۰/۸۲۳، "توانمندسازی اجتماعی زنان" در دامنه ۰/۳۴۷ تا ۷۶۱/ و "بهبود رفاه خانوار" در دامنه ۰/۴۳۰ تا ۰/۸۰۱ قرار گرفت که نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب گویه‌های سازه‌های مورد بررسی است. همچنین، بررسی مقادیر Cronbach Alpha if item deleted نشان داد حذف هیچ‌یک از گویه‌ها موجب افزایش معنی‌دار ضریب آلفای کرونباخ نمی‌شود، بنابراین تمامی گویه‌ها در تحلیل نهایی حفظ شدند.

در ادامه به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، از آماره‌های توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش توصیف داده‌ها با استفاده از آماره‌هایی همچون فراوانی، درصد فراوانی، کمینه، بیشینه، میانگین، انحراف‌معیار، متغیرها توصیف و در بخش تحلیل داده‌ها نیز متناسب با مقیاس متغیرها، از آزمون‌های فریدمن، آزمون t تک‌نمونه‌ای، آزمون ناپارامتری ویلکاکسون و ضرایب همبستگی (پیرسون و اسپیرمن) استفاده شد.

به‌منظور رتبه‌بندی گویه‌های تشکیل‌دهنده هر یک از شاخص‌های پژوهش، از آزمون ناپارامتری فریدمن استفاده شد. با توجه به این‌که پاسخ‌های مربوط به گویه‌ها در مقیاس لیکرت اندازه‌گیری شده و توزیع آن‌ها نرمال نبود، استفاده از آزمون فریدمن برای مقایسه رتبه گویه‌های وابسته، مناسب تشخیص داده شد. در این آزمون، هر پاسخ‌گو به تمامی گویه‌های مربوط به یک شاخص پاسخ داده است؛ بنابراین مشاهدات وابسته بوده و آزمون فریدمن به‌عنوان معادل ناپارامتری تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر، برای مقایسه و اولویت‌بندی گویه‌ها به‌کار گرفته شد. در این آزمون، گویه‌ها بر اساس میانگین رتبه[2] اولویت‌بندی شدند؛ به‌گونه‌ای که گویه با میانگین رتبه بالاتر، از اهمیت یا وضعیت مطلوب‌تری از دیدگاه پاسخ‌گویان برخوردار بود.

همچنین به‌منظور مقایسه و رتبه‌بندی شاخص‌های اصلی توانمندسازی، از آزمون ناپارامتری فریدمن استفاده شد. از آن‌جا که هر چهار شاخص برای یک گروه واحد از پاسخ‌گویان

1- Corrected Item-Total Correlation

2- Mean Rank

اندازه‌گیری شده‌اند، داده‌ها وابسته بوده و شرایط استفاده از آزمون فریدمن فراهم است. همچنین، به‌منظور حذف اثر تفاوت تعداد گویه‌های تشکیل‌دهنده هر شاخص به‌جای نمره مجموع، از میانگین گویه‌های هر شاخص استفاده شد تا تمامی شاخص‌ها در مقیاس یکسان (۱ تا ۵) قرار گیرند و قابلیت مقایسه داشته باشند. بر اساس میانگین رتبه‌های حاصل از آزمون فریدمن، اولویت نسبی شاخص‌های توانمندسازی تعیین شد. پس از اجرای آزمون ناپارامتری فریدمن، در مواردی که تفاوت کلی بین شاخص‌ها از نظر آماری معنی‌دار بود، به‌منظور تعیین محل دقیق این تفاوت‌ها، مقایسه‌های زوجی[1] انجام شد. در این مرحله، هر دو شاخص به‌صورت دوبه‌دو با یکدیگر مقایسه شدند. به‌منظور کنترل احتمال افزایش خطای نوع اول ناشی از انجام مقایسه‌های متعدد، سطح معنی‌داری با استفاده از اصلاح بونفرونی[2] تعدیل شد. بنابراین، تنها تفاوت‌هایی که پس از اعمال این اصلاح همچنان معنی‌دار بودند، به‌عنوان تفاوت واقعی بین شاخص‌ها تفسیر شدند.

با توجه به این‌که شاخص‌ها از میانگین چندین گویه تشکیل شده و حجم نمونه بیش از ۳۰ نفر بود، مطابق قضیه حد مرکزی، توزیع میانگین شاخص‌ها تقریباً نرمال در نظر گرفته شد؛ بنابراین برای مقایسه میانگین شاخص‌ها با مقدار نظری ۳، از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. همچنین به‌منظور بررسی استحکام نتایج، آزمون ناپارامتری ویلکاکسون نیز اجرا شد.

نتایج

براساس یافته‌های توصیفی مطالعه، ۸۷/۵ درصد از پاسخ‌گویان متأهل بودند و سن آن‌ها بین ۲۲ تا ۶۷ سال، متغیر بود. به‌گونه‌ای که بیش‌ترین فراوانی در گروه سنی ۴۲ تا ۴۸ سال قرار داشت. همچنین، حدود ۴۹ درصد از خانوارها دارای ۳ تا ۵ نفر عضو بودند و هیچ‌یک از پاسخ‌گویان بی‌سواد نبودند. بیش‌ترین سطح تحصیلات مربوط به دیپلم (۴۲/۵ درصد) بود و تنها ۱۰ درصد از زنان، سرپرست خانوار بودند. آشنایی اعضاء با صندوق‌ها عمدتاً از طریق کارشناسان جهاد کشاورزی و ترویج و سپس اعضای قبلی صندوق‌ها صورت گرفته بود. از نظر وضعیت اشتغال، پیش از عضویت در صندوق، ۷۰ درصد از زنان خانه‌دار بودند، اما این نسبت پس از عضویت، به ۳۸/۸ درصد کاهش یافت و سهم زنان شاغل، به‌ویژه در مشاغل آزاد، دامداری و زراعت و باغبانی افزایش پیدا کرد. نتایج آزمون کای‌اسکوئر نیز نشان داد که تفاوت توزیع نوع شغل قبل و بعد از عضویت از نظر آماری معنی‌دار است ($P<0.001$). بیش از نیمی از اعضاء (۵۲/۵ درصد) هدف اصلی دریافت وام را توسعه کسب‌وکار موجود و حدود یک‌سوم آنان (۳۱/۳ درصد) راه‌اندازی کسب‌وکار جدید عنوان کردند که بیان‌گر جهت‌گیری صندوق‌ها در حمایت از فعالیت‌های اقتصادی است. همچنین، نزدیک به نیمی از وام‌ها با دوره بازپرداخت ۱۲ ماهه و حدود ۷۰ درصد آن‌ها با نرخ بهره حداکثر ۴ درصد پرداخت شده‌اند. از نظر سابقه عضویت، ۵۰ درصد پاسخ‌گویان بین ۱ تا ۸ سال عضو صندوق بوده‌اند و حدود نیمی از آنان تنها یک یا دو بار موفق به دریافت وام شده‌اند. همچنین، بیش از نیمی از پاسخ‌گویان پیش از عضویت فاقد کسب‌وکار بودند و افرادی که فعالیت اقتصادی داشتند، عمدتاً از سرمایه شخصی برای تأمین مالی استفاده می‌کردند. یافته‌ها همچنین نشان داد که ۷۰ درصد اعضاء، اقساط وام را از محل درآمد حاصل از کسب‌وکار خود پرداخت می‌کنند. با این حال، ۸۸/۸ درصد پاسخ‌گویان مبلغ وام را ناکافی دانسته و ۸۲/۵ درصد نیز از میزان وام دریافتی رضایت نداشتند که مهم‌ترین دلیل آن پایین بودن مبلغ وام عنوان شد. در مقابل، ۹۰ درصد اعضاء از شرایط بازپرداخت و ۸۷/۵ درصد از فرایند دریافت وام رضایت داشتند. افزون بر این، ۹۳/۸ درصد پاسخ‌گویان تمایل خود را برای دریافت مجدد وام اعلام کردند که مهم‌ترین انگیزه آن‌ها

1 . Pairwise Comparisons
2. Bonferroni Adjustment

توسعه کسب‌وکار موجود و پس از آن راه‌اندازی کسب‌وکار جدید اعلام شد.

رتبه‌بندی گویه‌های ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد که حدود ۴۳/۶ درصد از پاسخ‌گویان، نقش صندوق‌های اعتبارات خرد را در ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد در سطح زیاد و خیلی زیاد، ۳۸/۵ درصد در سطح کم و حدود ۱۴ درصد در سطح متوسط ارزیابی کرده‌اند. بر اساس نتایج آزمون فریدمن، گویه «ایجاد شغل جدید برای زنان فاقد شغل» با میانگین رتبه ۳/۹۷ در اولویت نخست قرار گرفت. پس از آن، گویه‌های «کمک در کاهش نابرابری در درآمد» (۳/۹۲)» و «تثبیت مشاغل قبلی زنان» (۳/۸۱) در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. در مقابل، گویه‌های «کمک به فعالیت‌های درآمدزا» (۳/۱۲) و «کمک به تأمین رفاه خانواده» (۲/۷۹) پایین‌ترین اولویت را به‌خود اختصاص دادند.

جدول ۱- توزیع فراوانی و اولویت‌بندی گویه‌های متغیر ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد

Table 1- Frequency distribution and prioritization of variable items for employment creation and income generation opportunities

گویه‌های متغیر ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد Indicators for job creation and income-generating opportunities	تعداد N	میانگین Mean	اولویت‌ها Priorities
ایجاد شغل جدید برای زنان فاقد شغل	۷۸	۳/۹۷	۱
کمک در کاهش نابرابری در درآمد		۳/۹۲	۲
تثبیت مشاغل قبلی زنان		۳/۸۱	۳
کمک به توسعه کسب و کار زنان		۳/۳۹	۴
کمک به فعالیت‌های درآمدزا		۳/۱۲	۵
کمک به تأمین رفاه خانواده		۲/۷۹	۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش

رتبه‌بندی گویه‌های توانمندسازی اقتصادی خانوار

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که حدود ۱۶/۷ درصد از پاسخ‌گویان، وضعیت توانمندسازی اقتصادی را در سطح متوسط، ۳۸/۶ درصد در سطح زیاد و خیلی زیاد و ۴۴/۹ درصد در سطح کم و خیلی‌کم ارزیابی کرده‌اند. همچنین نتایج آزمون فریدمن نشان داد که گویه‌های این شاخص از نظر اولویت با یکدیگر تفاوت دارند. بر این اساس، گویه «افزایش دسترسی به وام» در رتبه نخست قرار گرفت و پس از آن، گویه‌های «کسب درآمد و استقلال مالی» و «بهبود موقعیت اقتصادی» و «حل مشکلات مالی خانواده» در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. در مقابل، گویه‌های «افزایش درآمد خانواده»، «کاهش پیش‌فروش محصولات» و «افزایش پس‌انداز خانواده» پایین‌ترین رتبه‌ها را به‌خود اختصاص دادند.

رتبه‌بندی گویه‌های توانمندسازی اجتماعی زنان

براساس نتایج جدول (۳)، ۸۳/۹ درصد از پاسخ‌گویان، وضعیت توانمندسازی اجتماعی را در سطح زیاد و خیلی زیاد، ۶/۷ درصد در سطح متوسط و تنها ۹/۳ درصد در سطح کم و خیلی‌کم ارزیابی کرده‌اند. همچنین نتایج آزمون فریدمن بیانگر تفاوت در اولویت گویه‌های این شاخص بود. بر این اساس، گویه «افزایش توانایی گفت‌وگو» در رتبه نخست قرار گرفت و پس از آن، گویه‌های «افزایش اعتمادبه‌نفس» و «افزایش توانایی برقراری ارتباط» در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. در مقابل، گویه‌های «افزایش مهارت‌های فردی»، «افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان» و «افزایش قدرت ریسک‌پذیری زنان» پایین‌ترین رتبه‌ها را به خود اختصاص دادند (جدول ۳).

جدول ۲- توزیع فراوانی و اولویت‌بندی گویه‌های متغیر توانمندسازی اقتصادی خانواده

Table 2- Frequency distribution and prioritization of variable items for family economic empowerment

گویه‌های متغیر توانمندسازی اقتصادی خانواده	تعداد	میانگین	اولویت‌ها
Indicators for the family economic empowerment variable	N	Mean	Priorities
افزایش دسترسی به وام		۵/۸۰	۱
کسب درآمد و استقلال مالی		۵/۱۴	۲
بهبود موقعیت اقتصادی		۴/۴۷	۳
تنوع درآمدی خانوار	۷۸	۴/۳۱	۴
افزایش درآمد خانواده		۴/۲۷	۵
کاهش پیش‌فروش محصولات		۳/۹۶	۶
افزایش پس‌انداز خانواده		۳/۵۸	۷

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۳- توزیع فراوانی و اولویت‌بندی گویه‌های متغیر توانمندسازی اجتماعی زنان

Table 3- Frequency distribution and prioritization of variable items for women's social empowerment

گویه‌های متغیر توانمندسازی اجتماعی زنان	تعداد	میانگین	اولویت‌ها
Indicators of women's social empowerment	N	Mean	Priorities
افزایش توانایی گفتگو		۵/۶۹	۱
افزایش اعتمادبه‌نفس		۵/۵۹	۲
افزایش توانایی در ارتباط		۵/۵۳	۳
ایجاد روحیه کار و تلاش		۵/۴۰	۴
تغییر نگرش خانواده	۷۸	۵/۰۵	۵
تغییر نگرش اهالی		۴/۹۴	۶
افزایش مهارت‌های فردی		۴/۷۳	۷
قدرت تصمیم‌گیری زنان		۴/۴۳	۸
قدرت ریسک‌پذیری زنان		۳/۶۵	۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش

رتبه‌بندی گویه‌های بهبود رفاه خانوار

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که ۶۶/۷ درصد از پاسخ‌گویان، وضعیت بهبود رفاه خانوار را در سطح کم و خیلی‌کم، ۱۳/۳ درصد در سطح متوسط و ۱۹/۸ درصد در سطح زیاد و خیلی‌زیاد ارزیابی کرده‌اند. نتایج آزمون فریدمن نیز بیان‌گر تفاوت در اولویت گویه‌های این شاخص بود. بر این اساس، گویه «بهبود ابزار مرتبط با شغل» در رتبه نخست قرار گرفت و پس از آن، گویه‌های «بهبود بهداشت و سلامت خانوار» و «بهبود تغذیه خانوار» در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند. در مقابل، گویه‌های «بهبود مسکن و خرید وسایل»، «افزایش سفرهای زیارتی» و «بهبود و خرید وسیله نقلیه» پایین‌ترین رتبه‌ها را به خود اختصاص دادند (جدول ۴).

اولویت‌بندی شاخص‌های توانمندسازی

نتایج آزمون فریدمن (جدول ۵) نشان داد بین شاخص‌های توانمندسازی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0.001$). شاخص «توانمندسازی اجتماعی زنان» با میانگین رتبه ۳/۵۴ بالاترین رتبه را کسب کرد. پس از آن، شاخص «بهبود رفاه خانوار»، «توانمندسازی اقتصادی خانواده» و «ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد» به‌ترتیب در رتبه‌های دوم تا چهارم قرار گرفتند.

جدول ٤- توزیع فراوانی و اولویت‌بندی گویه‌های متغیر بهبود رفاه خانوار

Table 4- Frequency distribution and prioritization of variable items for improving household well-being

گویه‌های متغیر بهبود رفاه خانوار Indicators of household welfare improvement	تعداد N	میانگین Mean	اولویت‌ها Priorities
بهبود ابزار مرتبط با شغل	۷۵	۹/۱۱	۱
بهبود بهداشت و سلامت خانوار		۸/۱۹	۲
بهبود تغذیه خانوار		۷/۸۵	۳
دسترسی به خدمات بهداشتی		۷/۶۸	۴
افزایش قدرت خرید خانواده		۷/۲۴	۵
ارتقاء آموزش و تحصیلات		۶/۹۶	۶
افزایش پس‌انداز ماهیانه		۶/۵۸	۷
بهبود پوشاک و لباس خانواده		۶/۲۰	۸
تأمین هزینه‌های پزشکی		۵/۴۱	۹
بهبود مسکن و خرید وسایل		۵/۰۱	۱۰
افزایش سفرهای زیارتی		۴/۳۶	۱۱
بهبود و خرید وسیله نقلیه		۳/۴۰	۱۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ٥- اولویت‌بندی شاخص‌های توانمندسازی

Table 5- Prioritization of empowerment indicators

متغیر Variable	تعداد N	میانگین Mean	سطح معنی‌داری Sig	مقدار مجذور کای Chi-square	اولویت‌ها Priorities
متغیر توانمندسازی اجتماعی زنان	۷۵	۳/۵۴	<۰/۰۰۱	۱۷۹/۴۸۰	۱
بهبود رفاه خانوار		۳/۳۴			۲
توانمندسازی اقتصادی خانواده		۱/۹۹			۳
ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد		۱/۱۳			۴

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در ادامه برای تعیین محل تفاوت‌ها، مقایسه‌های زوجی با آزمون ویلکاکسون انجام شد. نتایج (جدول ۶) نشان داد که به‌جز تفاوت بین دو شاخص «توانمندسازی اجتماعی» و «بهبود رفاه خانوار»، بین سایر شاخص‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ٦- روابط بین شاخص‌های توانمندسازی

Table 6- Relationships between empowerment indicators

	ایجاد اشتغال- توانمندسازی اقتصادی Job Creation-Economic Empowerment	ایجاد اشتغال- توانمندسازی اجتماعی Job Creation-Social Empowerment	ایجاد اشتغال- بهبود رفاه خانوار Job Creation-Improving household welfare	توانمندسازی اقتصادی- توانمندسازی اجتماعی Economic Empowerment-Social Empowerment	توانمندسازی اقتصادی- بهبود رفاه خانوار Economic Empowerment-Improving Household Well-being	توانمندسازی اجتماعی- بهبود رفاه خانوار Social Empowerment - Improving Household Well-being
z	-۶/۹۳۳	-۷/۵۱۸	-۷/۴۲۱	-۷/۳۳۸	-۶/۹۴۹	-۲/۳۰۳
سطح معنی‌داری	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۰/۰۲۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

روابط همبستگی بین متغیرهای اقتصادی-اجتماعی و شاخص‌های توانمندسازی

قبل از بررسی روابط همبستگی بین متغیرها، باید نرمال بودن متغیرها مورد بررسی قرار گیرد. براساس نتایج آزمون نرمال بودن (جدول ۷)، متغیرهای «بهبود رفاه خانوار» و «سن» از توزیع نرمال برخوردار بودند، در حالی که سایر متغیرها نرمال نبودند؛ بنابراین برای بررسی روابط، از ضرایب همبستگی متناسب با نوع توزیع داده‌ها استفاده شد.

جدول ۷- آزمون نرمال بودن داده‌ها
Table 7- normality test

متغیر Variable	آماره کولموگروف-اسمیرنوف Kolmogorov-Smirnov statistic	درجه آزادی Degrees of freedom	سطح معنی‌داری Significance level
ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد	۰/۱۴۷	۷۴	<۰/۰۰۱
توانمندسازی اقتصادی خانواده	۰/۱۶۸	۷۴	<۰/۰۰۱
توانمندسازی اجتماعی زنان	۰/۲۳۲	۷۴	<۰/۰۰۱
بهبود رفاه خانوار	۰/۰۷۴	۷۴	*۰/۲
سن	۰/۰۷۹	۷۴	*۰/۲
مبلغ آخرین وام	۰/۳۱۴		<۰/۰۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

روابط همبستگی بین متغیر سن و متغیرهای توانمندسازی

بررسی رابطه بین متغیر سن و شاخص‌های توانمندسازی، با استفاده از ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن انجام شد. با توجه به این‌که متغیرهای ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد، توانمندسازی اقتصادی و توانمندسازی اجتماعی از توزیع نرمال برخوردار نبودند، برای بررسی رابطه آن‌ها با سن از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد؛ در حالی‌که برای متغیر بهبود رفاه خانوار، به‌دلیل نرمال بودن توزیع داده‌ها، ضریب همبستگی پیرسون به‌کار گرفته شد. نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد بین متغیر سن و شاخص ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد ($P < 0.001$ و r=-۰/۴۶۰). همچنین بین متغیر سن و توانمندسازی اقتصادی نیز همبستگی منفی و معنی‌دار با همان شدت مشاهده شد ($P < 0.001$ و r=-۰/۴۶۰). مقدار ضریب همبستگی در هر دو مورد بیانگر رابطه‌ای با شدت متوسط است؛ به این معنا که با افزایش سن، میزان ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد و توانمندسازی اقتصادی کاهش می‌یابد. بین متغیر سن و بهبود رفاه خانوار نیز رابطه منفی و معنی‌داری مشاهده شد (p=-۰/۲۷۲ و r=۰/۰۱۹)، اما شدت این رابطه ضعیف است؛ بنابراین اگرچه افزایش سن با کاهش نسبی رفاه خانوار همراه بوده، میزان این ارتباط چندان قوی نیست. در مقابل، بین متغیر سن و توانمندسازی اجتماعی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد p=۰/۵۶۳ و r= ۰/۰۶۸). همچنین مقدار ضریب همبستگی بسیار کوچک است که نشان می‌دهد عملاً ارتباط معناداری بین این دو متغیر وجود ندارد.

روابط همبستگی بین متغیر سطح تحصیلات و متغیرهای توانمندسازی

براساس جدول (۹)، نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین سطح تحصیلات زنان و بعد توانمندسازی اجتماعی رابطه‌ای منفی و معنی‌دار وجود دارد (p=-۰/۲۷۲ و r=۰/۰۱۸). شدت این رابطه ضعیف است؛ بنابراین با افزایش سطح تحصیلات، کاهش اندکی در نمره توانمندسازی اجتماعی مشاهده می‌شود. در مقابل، بین سطح تحصیلات و سایر ابعاد

توانمندسازی شامل ایجاد اشتغال، توانمندسازی اقتصادی و بهبود رفاه خانوار رابطه معناداری مشاهده نشد (P>0.05).

جدول ۸- ضرایب همبستگی بین متغیر سن و شاخص‌های توانمندسازی
Table 8- Correlation coefficients between age and empowerment indicators

نوع ضریب Coefficient type	ایجاد اشتغال Job creation	توانمندسازی اقتصادی Economic empowerment	توانمندسازی اجتماعی Social empowerment	بهبود رفاه خانوار Improvement of household welfare
همبستگی پیرسون	-	-	-	*-۰/۲۷۲
همبستگی اسپیرمن	**-۰/۴۶۰	**-۰/۴۶۰	۰/۰۶۸	-
سطح معنی‌داری	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	۰/۵۶۳	۰/۰۱۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش
* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.
** در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است.

جدول ۹- ضرایب همبستگی اسپیرمن بین متغیر تحصیلات و شاخص‌های توانمندسازی
Table 9- Spearman correlation coefficients between education and empowerment indicators

	ایجاد اشتغال Job creation	توانمندسازی اقتصادی Economic empowerment	توانمندسازی اجتماعی Social empowerment	بهبود رفاه خانوار Improvement of household welfare
همبستگی اسپیرمن	۰/۱۰۶	۰/۰۶۴	*-۰/۲۷۲	-۰/۰۵۷
سطح معنی‌داری	۰/۳۵۵	۰/۵۷۹	۰/۰۱۸	۰/۶۲۹

مأخذ: یافته‌های پژوهش
* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.

روابط همبستگی بین مبلغ آخرین وام دریافتی و متغیرهای توانمندسازی

برای بررسی رابطه بین مبلغ آخرین وام دریافتی و شاخص‌های توانمندسازی، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج جدول (۱۰) نشان می‌دهد که بین مبلغ آخرین وام دریافتی و هیچ‌یک از شاخص‌های توانمندسازی، رابطه آماری معنی‌داری وجود ندارد (P>0.05). اگرچه ضریب همبستگی بین مبلغ آخرین وام و توانمندسازی اقتصادی (r=۰/۲۱۴) و بهبود **رفاه خانوار** (r=۰/۲۵۲) مثبت است، اما از نظر آماری معنی‌دار نیست (به‌ترتیب p=۰/۱۰۹ و p=۰/۰۶۶). همچنین ضرایب همبستگی بین مبلغ آخرین وام و ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد (r=۰/۰۵۵) و توانمندسازی اجتماعی (r=-۰/۰۰۴) بسیار ضعیف و غیرمعنی‌دار است. به طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که در جامعه مورد مطالعه، مبلغ آخرین وام دریافتی ارتباط معناداری با هیچ‌یک از ابعاد توانمندسازی ندارد.

جدول ۱۰- ضرایب همبستگی اسپیرمن بین متغیر مبلغ آخرین وام دریافتی و شاخص‌های توانمندسازی
Table 10- Spearman correlation coefficients between the amount of the last loan received and empowerment indicators

	ایجاد اشتغال Job creation	توانمندسازی اقتصادی Economic empowerment	توانمندسازی اجتماعی Social empowerment	بهبود رفاه خانوار Improvement of household welfare
همبستگی اسپیرمن	۰/۰۵۵	۰/۲۱۴	-۰/۰۰۴	۰/۲۵۲
سطح معنی‌داری	۰/۶۸۶	۰/۱۰۹	۰/۹۷۸	۰/۰۶۶

مأخذ: یافته‌های پژوهش
* در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است.

بررسی شاخص‌های توانمندسازی در میان دریافت‌کنندگان اعتبارات خرد

به‌منظور ارزیابی وضعیت شاخص‌های توانمندسازی در میان دریافت‌کنندگان اعتبارات خرد، میانگین هر یک از شاخص‌ها با مقدار نظری ۳ (سطح متوسط طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت) با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای مقایسه شد. نتایج آزمون در جدول (۱۱) ارائه شده است.

ارزیابی وضعیت ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد

میانگین شاخص ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد برابر با ۳/۰۱۷ (انحراف معیار= ۰/۶۹۸) به‌دست آمد که بسیار نزدیک به مقدار نظری ۳ در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت است. با توجه به اینکه شاخص ایجاد اشتغال از میانگین چندین گویه تشکیل شده و تعداد گویه‌ها نسبتاً زیاد است، برای مقایسه میانگین مشاهده‌شده با مقدار نظری ۳ از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شد. نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای نشان داد که تفاوت میانگین شاخص ایجاد اشتغال با مقدار نظری ۳ از نظر آماری معنی‌دار نیست (p=۰/۸۲۹ و t=۰/۲۱۶). همچنین فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف میانگین (۰/۱۴۰- تا ۰/۱۷۵) مقدار صفر را در بر می‌گیرد که این نتیجه نیز عدم وجود اختلاف معنی‌دار را تأیید می‌کند. بنابراین، ارزیابی اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد از وضعیت ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد در سطحی نزدیک به حد متوسط قرار دارد و شواهد آماری نشان نمی‌دهد که این شاخص نسبت به مقدار نظری، وضعیت مطلوب‌تر یا نامطلوب‌تری داشته باشد (جدول ۱۱).

ارزیابی وضعیت توانمندسازی اقتصادی خانوار

به‌منظور ارزیابی وضعیت توانمندسازی اقتصادی خانوار، میانگین این شاخص با مقدار نظری ۳ (سطح متوسط طیف لیکرت) با استفاده از آزمون tتک‌نمونه‌ای مقایسه شد. نتایج جدول (۱۱) نشان داد که میانگین شاخص توانمندسازی اقتصادی (M= ۲/۷۸۷) به‌طور معنی‌داری کم‌تر از مقدار نظری ۳ است (p=۰/۰۰۹ و t=-۲/۶۷۶). همچنین فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف میانگین (۰/۰۵۴- تا ۰/۳۷۲-) نیز صفر را در بر نمی‌گیرد که مؤید معنی‌داری این اختلاف است. بنابراین، وضعیت توانمندسازی اقتصادی خانوارهای عضو صندوق‌های اعتبارات خرد از دیدگاه پاسخ‌گویان، به‌طور معنی‌داری پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی می‌شود (جدول ۱۱).

ارزیابی وضعیت توانمندسازی اجتماعی زنان

نتایج آزمون tتک‌نمونه‌ای نشان داد که میانگین شاخص توانمندسازی اجتماعی زنان (M= ۳/۶۸۳) به‌طور معنی‌داری بالاتر از مقدار نظری ۳ قرار دارد (p<۰/۰۰۱ و t=۱۱/۰۸۲). فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف میانگین (۰/۰۵۶ تا ۰/۸۰۶) نیز بیانگر مثبت و معنی‌دار بودن این اختلاف است. بنابراین، وضعیت توانمندسازی اجتماعی زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد از دیدگاه پاسخگویان بالاتر از سطح متوسط ارزیابی می‌شود (جدول ۱۱).

ارزیابی وضعیت بهبود رفاه خانوار

نتایج آزمون t تک نمونه‌ای نشان داد که میانگین شاخص بهبود رفاه خانوار (M= ۲/۵۷۶) به‌طور معنی‌داری کم‌تر از مقدار نظری ۳ است (p<۰/۰۰۱ و t=-۵/۴۹۵). همچنین فاصله اطمینان ۹۵ درصد اختلاف میانگین (۰/۲۷۰- تا ۰/۵۷۸-)، مؤید معنی‌دار بودن این اختلاف است. بر این اساس، وضعیت بهبود رفاه خانوار از دیدگاه زنان عضو صندوق‌های اعتبارات خرد پایین‌تر از سطح متوسط ارزیابی می‌شود (جدول ۱۱).

جدول ۱۱- نتایج آزمون t تک‌نمونه‌ای برای مقایسه شاخص‌های توانمندسازی با مقدار نظری ۳

Table 11- Results of one-sample t-test for comparing empowerment indicators with theoretical value 3

شاخص Index	آماره تی t	درجه آزادی Df.	سطح معنی‌داری Sig.	نتیجه Result
ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد	۰/۲۱۶	۷۷	۰/۸۲۹	تفاوت معنی‌دار ندارد
توانمندسازی اقتصادی خانواده	-۲/۶۷۶	۷۷	۰/۰۰۹	به‌طور معنی‌داری کم‌تر از مقدار نظری
توانمندسازی اجتماعی زنان	۱۱/۰۸۲	۷۴	<۰/۰۰۱	به‌طور معنی‌داری بیش‌تر از مقدار نظری
بهبود رفاه خانوار	-۵/۴۹۵	۷۴	<۰/۰۰۱	به‌طور معنی‌داری کم‌تر از مقدار نظری

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون ویلکاکسون نیز با یافته‌های آزمون t همسو بود و همان الگوی نتایج را تأیید کرد؛ به‌طوری‌که اعتبارات خرد تنها در شاخص توانمندسازی اجتماعی اثر مثبت و معنی‌دار داشته است (p<۰/۰۰۱)، در حالی‌که در شاخص‌های توانمندسازی اقتصادی (p=۰/۰۰۹) و بهبود رفاه خانوار (p<۰/۰۰۱)، مقادیر به‌دست‌آمده به‌طور معنی‌داری کم‌تر از مقدار نظری بوده و در شاخص ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد نیز تفاوت معنی‌داری با مقدار نظری مشاهده نشد (p=.۰/۷۳۴).

رضایت از برنامه اعتبارات خرد

نتایج نشان داد که ۷۱ نفر یعنی ۸۸/۸ درصد از پاسخ‌گویان، عملکرد صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی را موفقیت‌آمیز ارزیابی کرده‌اند، در حالی‌که ۳ نفر یا ۳/۸ درصد، عملکرد این صندوق‌ها را ناموفق دانسته‌اند. این یافته بیان‌گر آن است که اکثر اعضای صندوق‌ها، عملکرد کلی این برنامه را از دیدگاه خود مطلوب ارزیابی کرده‌اند.

بحث

یافته‌های توصیفی مطالعه نشان داد که صندوق‌های اعتبارات خرد عمدتاً زنان متأهل و در سنین فعالیت اقتصادی را تحت پوشش قرار داده‌اند؛ گروهی که به‌دلیل مسئولیت‌های خانوادگی و نقش مؤثر در اقتصاد خانوار، از ظرفیت مناسبی برای بهره‌گیری از اعتبارات خرد برخوردار هستند. همچنین، نبود افراد بی‌سواد و غلبه سطح تحصیلات دیپلم در میان اعضاء می‌تواند بیان‌گر آن باشد که حداقل سطح سواد، زمینه مناسبی برای مشارکت در فعالیت‌های صندوق و استفاده از خدمات آن فراهم کرده است. از سوی دیگر، نقش پررنگ کارشناسان جهاد کشاورزی و ترویج در معرفی صندوق‌ها، اهمیت نهادهای ترویجی را در توسعه مشارکت زنان روستایی و گسترش دسترسی آنان به خدمات مالی خرد نشان می‌دهد. تغییر معنی‌دار وضعیت اشتغال اعضاء پس از عضویت در صندوق، به‌ویژه کاهش تعداد زنان خانه‌دار و افزایش اشتغال در مشاغل آزاد، دامداری و زراعت، بیان‌گر آن است که صندوق‌های اعتبارات خرد توانسته‌اند زمینه ورود بخشی از زنان به فعالیت‌های اقتصادی را فراهم کنند. با این حال، در کنار این دستاورد، درصد بالای پاسخ‌گویانی که مبلغ وام را ناکافی دانسته و از میزان آن رضایت نداشتند، نشان می‌دهد که اگرچه صندوق‌ها در تسهیل دسترسی به منابع مالی موفق بوده‌اند، اما محدود بودن حجم تسهیلات، ظرفیت آن‌ها را برای توسعه پایدار کسب‌وکارها و بهبود وضعیت اقتصادی اعضاء کاهش داده است. از سوی دیگر، رضایت بالای اعضاء از شرایط دریافت و بازپرداخت وام، همراه با تمایل بسیار زیاد آنان به دریافت مجدد تسهیلات، نشان‌دهنده مقبولیت سازوکار اجرایی صندوق‌ها در میان زنان روستایی است. این یافته، در کنار نارضایتی از مبلغ وام، بیانگر آن است که چالش اصلی صندوق‌ها نه در نحوه ارائه خدمات، بلکه در محدود بودن منابع مالی و پایین بودن سقف تسهیلات پرداختی است. بنابراین، به‌نظر می‌رسد افزایش ظرفیت مالی صندوق‌ها و تأمین منابع اعتباری بیش‌تر، می‌تواند اثربخشی این نهادها را در تحقق

اهداف اقتصادی و توانمندسازی زنان روستایی به‌طور قابل توجهی افزایش دهد.

اعضای صندوق‌ها، نقش اعتبارات خرد را بیش از همه در ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای زنان فاقد شغل و کاهش نابرابری درآمدی مؤثر ارزیابی کرده‌اند. در مقابل، پایین بودن رتبه گویه‌های مربوط به کمک به فعالیت‌های درآمدزا و بهبود رفاه خانوار بیانگر آن است که اگرچه اعتبارات خرد توانسته‌اند زمینه مشارکت اقتصادی برخی زنان را فراهم کنند، اما به‌دلیل محدود بودن مبلغ وام‌ها، افزایش هزینه‌های تولید و معیشت و سایر محدودیت‌های اقتصادی، این اعتبارات کم‌تر به افزایش درآمد پایدار و ارتقای رفاه خانوار منجر شده‌اند. این یافته با نتایج سایر بخش‌های پژوهش نیز همخوانی دارد که نشان داد وضعیت توانمندسازی اقتصادی و رفاه خانوار پایین‌تر از سطح مطلوب ارزیابی شده است.

همچنین مهم‌ترین دستاورد اقتصادی صندوق‌های اعتبارات خرد از دیدگاه اعضاء، تسهیل دسترسی به منابع مالی بوده است؛ در حالی‌که این دسترسی الزاماً به افزایش درآمد، پس‌انداز یا بهبود پایدار وضعیت اقتصادی خانوار منجر نشده است. قرار گرفتن گویه‌های «افزایش درآمد خانواده» و «افزایش پس‌انداز» در رتبه‌های پایین‌تر بیان‌گر آن است که هرچند اعتبارات خرد توانسته‌اند بخشی از محدودیت دسترسی به منابع مالی را برطرف کنند، اما به‌دلیل محدود بودن مبلغ وام، استفاده از بخشی از تسهیلات برای هزینه‌های جاری و محدودیت فرصت‌های اقتصادی، اثر آن بر شاخص‌های اساسی توانمندسازی اقتصادی محدود بوده است. این یافته با نتایج کلی پژوهش نیز همسو است که نشان داد اعتبارات خرد، به‌رغم بهبود دسترسی به منابع مالی، نتوانسته‌اند توانمندسازی اقتصادی خانوارهای عضو را به سطح مطلوب برسانند.

برتری گویه‌های مرتبط با توانایی گفت‌وگو، اعتمادبه‌نفس و برقراری ارتباط نشان داد که عضویت در صندوق‌های اعتبارات خرد بیش از آن‌که به ارتقای ابعاد اقتصادی منجر شود، زمینه تقویت سرمایه اجتماعی و تعاملات فردی زنان را فراهم کرده است. در مقابل، پایین بودن رتبه گویه‌های مرتبط با ریسک‌پذیری، تصمیم‌گیری و مهارت‌های فردی بیان‌گر آن است که دستیابی به سطوح بالاتر توانمندسازی اجتماعی، علاوه بر دسترسی به اعتبارات مالی، مستلزم آموزش‌های مهارتی، توسعه ظرفیت‌های کارآفرینی و حمایت‌های نهادی است. این یافته با نتایج کلی پژوهش نیز همخوانی دارد که نشان داد اعتبارات خرد در مقایسه با ابعاد اقتصادی، نقش پررنگ‌تری در ارتقای توانمندسازی اجتماعی زنان داشته‌اند.

در ادامه آثار اعتبارات خرد بر رفاه خانوار بیش‌تر در تأمین نیازهای ضروری و بهبود امکانات مرتبط با فعالیت‌های شغلی، سلامت و تغذیه نمایان شده است؛ در حالی که تأثیر آن بر بهبود سایر جنبه‌های رفاه، مانند ارتقای کیفیت مسکن، خرید وسایل سرمایه‌ای و افزایش دارایی‌های خانوار، محدود بوده است. این نتایج را می‌توان به پایین بودن مبلغ تسهیلات، اولویت یافتن تأمین نیازهای اساسی خانوار و محدود بودن ظرفیت اعتبارات خرد برای ایجاد تغییرات پایدار در سطح رفاه نسبت داد. این یافته با نتایج کلی پژوهش نیز همسو است و نشان می‌دهد که اعتبارات خرد، اگرچه بخشی از نیازهای اولیه خانوار را پوشش داده‌اند، اما نتوانسته‌اند به بهبود چشمگیر رفاه خانوارهای عضو منجر شوند.

رتبه‌بندی شاخص‌های توانمندسازی نشان داد که صندوق‌های اعتبارات خرد و وام‌های اعطاء شده، به‌ترتیب باعث توانمندسازی افراد در حیطه «اجتماعی»، «رفاه خانوار»، «توانمندسازی اقتصادی» و در نهایت «ایجاد اشتغال» شده است و این نتیجه با نتیجه مطالعه سراوانی (۱۳۹۹) نیز مطابقت دارد. اعتبارات اعطاء شده در ایجاد اشتغال برای زنان روستایی، نسبت به ابعاد دیگر تأثیر کم‌تری داشته است. این نتیجه با مطالعه (فکور، ۱۳۹۷) سازگار است؛ بنابراین اعتبارات اعطاء شده یا به

میزانی نبوده است که زنان بتوانند با آن فرصت‌های شغلی ایجاد کرده و درآمد خود را افزایش دهند یا صرف اموری غیر از اشتغال گردیده است. در مطالعه (فکور، ۱۳۹۷) نیز میزان آماره t در بعد اجتماعی بیش‌ترین میزان را به‌خود اختصاص داده است. دلیل این امر را می‌توان این‌گونه بیان کرد که خوداتکایی مالی زنان هر چند هم کم باشد، باعث افزایش نقش اجتماعی و پایگاه اجتماعی می‌شود و یا به‌عبارتی اعتبارات، موجب توانایی آنان از بعد اجتماعی می‌گردد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که سن بیش‌تر با ابعاد اقتصادی توانمندسازی ارتباط دارد تا ابعاد اجتماعی آن. رابطه منفی با شدت متوسط، بین سن و ایجاد اشتغال و توانمندسازی اقتصادی بیان‌گر آن است که زنان جوان‌تر، احتمال بیش‌تری برای مشارکت در فعالیت‌های درآمدزا و بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی ناشی از اعتبارات خرد دارند. این وضعیت را می‌توان با ویژگی‌هایی مانند انگیزه بیش‌تر برای کارآفرینی، پذیرش ریسک، انعطاف‌پذیری و آمادگی بیش‌تر برای ورود به فعالیت‌های اقتصادی در میان افراد جوان‌تر تبیین کرد. در مقابل، نبود رابطه معنی‌دار بین سن و توانمندسازی اجتماعی نشان می‌دهد که ارتقای ابعاد اجتماعی توانمندسازی، مانند اعتمادبه‌نفس، مشارکت اجتماعی یا نقش‌آفرینی در تصمیم‌گیری، بیش از آن‌که تابع سن باشد، تحت تأثیر عواملی مانند آموزش، سرمایه اجتماعی، حمایت نهادی و تجربه عضویت در صندوق‌های اعتبارات خرد قرار دارد. همچنین، ضریب همبستگی ضعیف بین سن و بهبود رفاه خانوار نشان می‌دهد که هرچند سن می‌تواند تا حدودی با وضعیت رفاهی مرتبط باشد، اما عوامل دیگری نظیر میزان درآمد، اندازه وام، نحوه هزینه‌کرد اعتبارات و شرایط اقتصادی خانوار، نقش تعیین‌کننده‌تری در تبیین تغییرات رفاه ایفا می‌کنند.

مشاهده رابطه منفی هرچند ضعیف بین سطح تحصیلات و توانمندسازی اجتماعی، در نگاه نخست ممکن است غیرمنتظره به نظر برسد. این یافته نشان می‌دهد که افزایش تحصیلات، به‌تنهایی تضمین‌کننده ارتقای توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی نیست. این نتیجه با دیدگاه گنج‌خانی (۱۳۹۴) همخوانی دارد که معتقد است هنجارهای اجتماعی و روابط قدرت در خانواده می‌توانند مانع تبدیل سرمایه آموزشی زنان به توانمندسازی واقعی شوند. در چنین شرایطی، حتی زنان تحصیل‌کرده نیز ممکن است در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، کنترل منابع مالی یا مشارکت اجتماعی با محدودیت مواجه باشند. بنابراین، به نظر می‌رسد در منطقه مورد مطالعه، عوامل فرهنگی و نهادی نقش مهم‌تری از تحصیلات در تبیین توانمندسازی اجتماعی زنان ایفا می‌کنند.

عدم مشاهده رابطه معنی‌دار بین مبلغ آخرین وام دریافتی و شاخص‌های توانمندسازی نشان می‌دهد که صرف افزایش مبلغ وام، لزوماً به بهبود وضعیت توانمندسازی زنان روستایی منجر نمی‌شود. یکی از دلایل احتمالی این یافته، پایین بودن مبلغ وام‌ها در مقایسه با سرمایه مورد نیاز برای ایجاد یا توسعه کسب‌وکارهای پایدار است. علاوه بر این، بخشی از وام‌ها ممکن است به دلیل فشارهای معیشتی خانوار، به جای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های درآمدزا، صرف هزینه‌های جاری یا بازپرداخت بدهی‌ها شده باشد. همچنین، نبود آموزش‌های لازم در زمینه کارآفرینی، مدیریت کسب‌وکار و نحوه استفاده بهینه از اعتبارات، می‌تواند اثربخشی وام‌ها را کاهش دهد. این یافته نشان می‌دهد که اثربخشی اعتبارات خرد تنها به میزان وام وابسته نیست، بلکه عواملی مانند کفایت مبلغ تسهیلات، نحوه هزینه‌کرد، آموزش دریافت‌کنندگان، نظارت بر مصرف وام و حمایت‌های پس از پرداخت نیز نقش مهمی در تحقق اهداف توانمندسازی ایفا می‌کنند. بنابراین، در تفسیر اثر اعتبارات خرد، لازم است مجموعه این عوامل به صورت همزمان مورد توجه قرار گیرد.

از دیدگاه اعضای صندوق‌ها، وضعیت ایجاد اشتغال و فرصت‌های کسب درآمد در حد متوسط ارزیابی می‌شود و بهبود

قابل توجهی در این شاخص مشاهده نشده است. یکی از تبیین‌های احتمالی این نتیجه، محدود بودن مبلغ تسهیلات، افزایش هزینه‌های ایجاد کسب‌وکار، استفاده بخشی از وام‌ها برای تأمین مخارج ضروری خانوار و کمبود آموزش‌ها و حمایت‌های تکمیلی برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی است. این نتیجه با یافته‌های فکور (۱۳۹۷) نیز همسو است که نشان داد اعتبارات خرد، در صورت ناکافی بودن مبلغ و نبود حمایت‌های مکمل، ظرفیت محدودی برای ایجاد کسب‌وکارهای جدید و افزایش فرصت‌های درآمدی دارد.

پایین‌تر بودن میانگین توانمندسازی اقتصادی از سطح متوسط نشان می‌دهد که اعتبارات خرد، علی‌رغم دسترسی زنان به منابع مالی، تأثیر کافی بر بهبود وضعیت اقتصادی خانوارها نداشته است. یکی از دلایل احتمالی این موضوع، پایین بودن مبلغ تسهیلات در مقایسه با هزینه‌های راه‌اندازی یا توسعه کسب‌وکار، مصرف بخشی از وام‌ها برای هزینه‌های ضروری خانوار و محدود بودن خدمات مکمل مانند آموزش‌های کارآفرینی، بازاریابی و مشاوره مالی است. این یافته با نتایج پژوهش فکور (۱۳۹۷) و محمدی‌یگانه و همکاران (۱۳۹۳)، همسو است که ناکافی بودن میزان اعتبارات و ضعف خدمات پشتیبان را از مهم‌ترین عوامل محدودکننده اثر اقتصادی اعتبارات خرد معرفی کرده‌اند.

مشارکت در صندوق‌های اعتبارات خرد، بیش از آن‌که با بهبود ابعاد اقتصادی همراه باشد، با تقویت ابعاد اجتماعی توانمندسازی زنان ارتباط دارد. حضور در جلسات صندوق، مشارکت آنان در فعالیت‌های گروهی صندوق‌ها، گسترش تعاملات اجتماعی، افزایش اعتمادبه‌نفس، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی و دسترسی بیش‌تر به اطلاعات و آموزش‌ها می‌تواند از مهم‌ترین عوامل ارتقای این بعد باشد. در مقابل، محدود بودن میزان وام‌ها و چالش‌های توسعه کسب‌وکار موجب شده است که آثار اقتصادی این صندوق‌ها کم‌تر از آثار اجتماعی آن‌ها باشد. این یافته نشان می‌دهد که حتی در شرایطی که اعتبارات خرد نتوانسته‌اند به بهبود قابل توجه شاخص‌های اقتصادی منجر شوند، در تقویت سرمایه اجتماعی و توانمندی‌های فردی زنان موفق عمل کرده‌اند. این نتیجه با مطالعات متعددی که نقش صندوق‌های اعتبارات خرد را در ارتقای مشارکت اجتماعی و افزایش اعتمادبه‌نفس زنان تأیید کرده‌اند، همخوانی دارد.

پایین بودن ارزیابی شاخص رفاه خانوار را می‌توان ناشی از ناکافی بودن مبلغ تسهیلات، افزایش هزینه‌های زندگی و مصرف بخشی از وام‌ها برای تأمین نیازهای ضروری خانوار دانست؛ شرایطی که امکان سرمایه‌گذاری مؤثر در فعالیت‌های درآمدزا را محدود کرده است. در چنین وضعیتی، هرچند اعتبارات خرد ممکن است بخشی از نیازهای کوتاه‌مدت خانوار را پوشش دهد، اما بهبود پایدار رفاه خانوار مستلزم عواملی مانند کفایت سرمایه، آموزش، دسترسی به بازار و تداوم حمایت‌های نهادی است. این یافته با نتایج پژوهش‌های محمدی‌یگانه و همکاران (۱۳۹۳)، فکور (۱۳۹۷) و زنده‌دل (۱۳۹۵) همسو است که نشان نشان داده‌اند پایین بودن مبلغ تسهیلات، نبود آموزش‌های مکمل، ضعف نظارت بر نحوه هزینه‌کرد و محدودیت فرصت‌های کسب‌وکار از مهم‌ترین عوامل کاهش اثربخشی اعتبارات خرد بر بهبود وضعیت اقتصادی و رفاهی خانوارهای روستایی هستند. بنابراین، بهبود رفاه خانوار مستلزم آن است که اعطای اعتبارات خرد با حمایت‌های مکمل مانند آموزش، توسعه بازار، افزایش مبلغ تسهیلات متناسب با نوع فعالیت و نظارت بر مصرف وام همراه باشد.

اگرچه اغلب پاسخ‌گویان از عملکرد صندوق‌های اعتبارات خرد رضایت داشته‌اند، این یافته لزوماً به معنای موفقیت این برنامه در توانمندسازی اقتصادی نیست. نتایج سایر بخش‌های پژوهش نشان داد که شاخص‌های توانمندسازی اقتصادی و بهبود رفاه خانوار در سطح مطلوبی قرار نداشتند، در حالی‌که

وضعیت توانمندسازی اجتماعی زنان مطلوب‌تر ارزیابی شد. بنابراین، رضایت بالای اعضاء را می‌توان بیش‌تر ناشی از دسترسی آسان‌تر به منابع مالی، احساس حمایت، مشارکت در فعالیت‌های گروهی، افزایش تعاملات اجتماعی و بهبود سرمایه اجتماعی دانست تا تحقق کامل اهداف اقتصادی صندوق‌ها. به‌عبارت دیگر، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که صندوق‌های اعتبارات خرد از نظر کارکردهای اجتماعی و میزان رضایت اعضاء عملکرد نسبتاً موفقی داشته‌اند، اما از نظر دستیابی به اهداف اقتصادی، به‌ویژه ایجاد اشتغال پایدار، توانمندسازی اقتصادی و بهبود رفاه خانوار، با محدودیت‌هایی مواجه بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که صندوق‌های اعتبارات خرد اگرچه در ارتقای توانمندسازی اجتماعی زنان روستایی نقش مثبتی داشته‌اند، اما در تحقق اهداف اقتصادی، از جمله ایجاد اشتغال، بهبود رفاه خانوار و ارتقای توانمندسازی اقتصادی، موفقیت محدودی داشته‌اند. همچنین، اگرچه رضایت اعضاء از عملکرد صندوق‌ها بالا بود، این رضایت بیش‌تر ناظر بر کارکردهای اجتماعی و تسهیل دسترسی به منابع مالی بوده و لزوماً به بهبود شاخص‌های اقتصادی منجر نشده است. بنابراین، صرف اعطای اعتبارات خرد برای تحقق توانمندسازی اقتصادی کافی نیست و اثربخشی این برنامه‌ها به عواملی نظیر کفایت مبلغ وام، هدایت منابع به فعالیت‌های مولد، آموزش‌های کارآفرینی، دسترسی به بازار و نظام نظارتی مناسب وابسته است. در مقابل، مشارکت در صندوق‌های اعتبارات خرد توانسته است سرمایه اجتماعی، اعتماد به نفس و تعاملات اجتماعی زنان را تقویت کند. این پژوهش دارای محدودیت‌هایی نیز بود. نخست، مطالعه تنها در استان کرمان انجام شد؛ بنابراین تعمیم نتایج به سایر مناطق کشور باید با احتیاط صورت گیرد. دوم، داده‌ها بر اساس پرسشنامه و خوداظهاری پاسخ‌گویان گردآوری شد که احتمال سوگیری پاسخ‌ها را به‌همراه دارد. همچنین، به‌دلیل مقطعی بودن پژوهش، امکان بررسی آثار بلندمدت اعتبارات خرد بر وضعیت اقتصادی خانوارها وجود نداشت.

پیشنهادها

پیشنهادهای سیاستی

۱. با توجه به ناکافی بودن مبلغ وام‌ها و پایین بودن توانمندسازی اقتصادی و رفاه خانوار، پیشنهاد می‌شود سقف تسهیلات متناسب با هزینه راه‌اندازی یا توسعه کسب‌وکارهای روستایی و شرایط اقتصادی روز بازنگری شود تا امکان سرمایه‌گذاری مؤثر برای زنان فراهم گردد.

۲. با توجه به این‌که بخشی از تسهیلات در امور غیرتولیدی هزینه شده است، پیشنهاد می‌شود نظام نظارت و پایش مصرف تسهیلات تقویت شود تا منابع اعتباری بیش‌تر در فعالیت‌های درآمدزا و اشتغال‌آفرین به‌کار گرفته شوند.

۳. با توجه به رضایت بالای اعضاء از عملکرد صندوق‌ها و نقش مثبت آن‌ها در توانمندسازی اجتماعی، پیشنهاد می‌شود حمایت نهادی از صندوق‌های اعتبارات خرد از طریق تأمین منابع مالی پایدار، توسعه سرمایه صندوق‌ها و ایجاد پیوند مؤثر با سایر نهادهای حمایتی تقویت شود.

۴. با توجه به محدود بودن اثر اعتبارات بر اشتغال و درآمد، توسعه بازارهای محلی، نمایشگاه‌های فروش و سازوکارهای بازاریابی محصولات روستایی در کنار پرداخت تسهیلات ضروری به نظر می‌رسد.

پیشنهادهای مدیریتی

۱. نتایج نشان داد که اعتبارات خرد به‌تنهایی برای بهبود وضعیت اقتصادی کافی نیست؛ بنابراین اجرای برنامه‌های آموزشی در زمینه کارآفرینی، مدیریت کسب‌وکار، بازاریابی و مدیریت مالی در کنار اعطای تسهیلات پیشنهاد می‌شود.

۲. به‌منظور افزایش اثربخشی وام‌های خرد، پرداخت

تسهیلات به فعالیت‌های گروهی و تعاونی، به‌ویژه در مشاغل نیازمند سرمایه بیش‌تر، می‌تواند مورد توجه مدیران صندوق‌ها قرار گیرد.

۳. با توجه به نقش مثبت صندوق‌ها در توانمندسازی اجتماعی، تقویت آموزش مدیران و هیئت‌مدیره صندوق‌ها در زمینه هدایت، نظارت و پشتیبانی از کسب‌وکارهای اعضاء می‌تواند اثربخشی این صندوق‌ها را افزایش دهد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

۱. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، آثار بلندمدت اعتبارات خرد بر پایداری اشتغال، درآمد و خروج خانوارهای روستایی از فقر با استفاده از مطالعات طولی بررسی شود.

۲. بررسی نقش متغیرهای مداخله‌گر مانند آموزش‌های کارآفرینی، دسترسی به بازار، سرمایه اولیه، ویژگی‌های فردی و حمایت‌های نهادی در اثربخشی اعتبارات خرد می‌تواند به تبیین بهتر نتایج کمک کند.

۳. انجام مطالعات مقایسه‌ای بین صندوق‌های اعتبارات خرد در استان‌های مختلف یا میان صندوق‌های موفق و کم‌تر موفق، می‌تواند عوامل مؤثر بر موفقیت این برنامه‌ها را روشن‌تر سازد.

منابع

اللهی‌چترودی‌نژاد، م. ر. (۱۴۰۱). ارزیابی عملکرد صندوق کارآفرینی امید در توسعه اشتغال نواحی روستایی: مورد مطالعه نواحی روستایی شهرستان بافت. پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی‌ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی (گرایش توسعه اقتصاد روستایی). دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.

اسلامی بیدگلی، غ.ر. و بیگدلو، م. (۱۳۸۴). بررسی معیارهای مؤثر در ارزیابی کسب و کارهای مخاطره‌آمیز کارآفرینانه، *دانش مدیریت*، ۱۸(۱): ۳-۲۹.

بازیاری، ر. و خسروی‌پور، ب. (۱۳۹۸). نقش صندوق اعتبارات خرد در کارآفرینی زنان روستایی، همایش ملی و صنعت تجاری‌سازی کشاورزی. دوره ۱: کد همایش ۹۸۱۹۰-۹۴۹۵۴.

بوزرجمهری، خ.، شجری، م.، صادقلو، ط. و پاسبان، ف. (۱۴۰۱). بررسی اثرات صندوق اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی و رفاهی زنان روستایی، منطقه مورد مطالعه: روستاهای دهستان پیوه‌ژن، *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱-۲۵. https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.81066.1246

بهزادی، ص. (۱۳۸۸). ارزیابی تأثیر اعتبارات خرد بانکی در توسعه کشاورزی (نمونه موردی دهستان محمدیه اردکان استان یزد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

دری، ف. (۱۴۰۱). نقش صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندی زنان روستایی در معیشت جایگزین شهرستان عجب‌شیر. پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته ترویج و آموزش کشاورزی پایدار گرایش ترویج کشاورزی پایدار و منابع طبیعی. دانشگاه تبریز، دانشکده کشاورزی.

رحمانی‌فضلی، ع. ا. و کاویانی، ی. (۱۳۸۸). ارزیابی عملکرد بانک کشاورزی در واگذاری اعتبارات خرد روستایی. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۹(۹): ۱۲۵-۱۴۳.

رکن‌الدین‌افتخاری، ع.، عینالی، ج. و سجاسی قیداری، ح. (۱۳۸۵). ارزیابی آثار اعتبارات خرد بانکی در توسعه کشاورزی: مطالعه موردی تعاونی‌های خودجوش روستایی شهرستان خدابنده. *اقتصادکشاورزی و توسعه*، ۱۴(۵۶): ۴۵-۷۶. https://doi.org/10.30490/aead.2007.58900

رضوانی، م.ر.، دربان آستانه، ع. و احمدآبادی، ح. (۱۳۹۴). تحلیل اثرات اعتبارات خرد بر پایداری اقتصاد روستایی (مورد مطالعاتی اعتبارات صندوق کارآفرینی امید در شهرستان

نیشابور). *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*. ۱۳(۱): ۲۰۹-۲۳۳. https://doi.org/10.22067/geography.v13i1.37283

روستایی، م. (۱۳۹۶). ارزیابی نقش اعتبارات خرد در توسعه اقتصادی جوامع روستایی (مطالعه موردی: بخش شیبکوه، شهرستان فسا). پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی‌ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی (گرایش برنامه‌ریزی کالبدی)، دانشگاه پیام نور بیرجند، گروه جغرافیا، بخش علوم اجتماعی.

ریاحی، و.، جوان، ف. و شیخکانلوی‌میلان، ا. (۱۳۹۹). تحلیل اثرات صندوق کارآفرینی امید در توسعه اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان خوی). *راهبردهای توسعه روستایی*، ۷(۳): ۲۶۷-۲۸۵. http://doi.org/10.22048/RDSJ.2021.266215.1906

زنده‌دل، ر. (۱۳۹۵). بررسی اثرات اعتبارات خرد بانک کشاورزی بر توسعه اشتغال روستایی در شهرستان زنجان. پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، در رشته توسعه روستایی. دانشکده کشاورزی گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشگاه زنجان.

ساعی، م. و ضیایی، س. (۱۳۹۵). بررسی اثر صندوق‌های اعتباری خرد بر کاهش فقر، ایجاد درآمد و اشتغال در استان کرمان. *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزان ایران*. ۴۷(۱): ۲۲۷-۲۳۵.

سراوانی، م. (۱۳۹۹). ارزیابی صندوق اعتبارات خرد بر توانمندسازی جوامع محلی در سیستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت بازرگانی گرایش تجارت الکترونیک، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

سعیدی، م.، چهارسوقی امین، ح.، مومنی هلالی ، ه.، نوروزی، ع. ر. و علیرضا و واحدی، م. (۱۳۹۷). نقش صندوق اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مورد پژوهشی: بررسی شهرستان چرداول، استان ایلام). *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*. ۱۵(۴): ۱۴۹-۱۷۵. https://doi.org/10.22051/JWSPS.2018.18916.1649

سلطانوا، خ. (۱۳۸۲). برنامه اعتبارات خرد در سازمان غیردولتی الگا تجربه قرقیزستان. تهران، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج، دفتر امور زنان، ۱-۷۴.

شجری، م. (۱۴۰۱). بررسی اثرات صندوق اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی، منطقه مورد مطالعه: روستاهای دهستان پیوه‌ژن. پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی‌ارشد در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

صالحی چگنی، م.، رحیمیان ،م. و غلامرضایی، س. (۱۳۹۵). قابلیت صندوقهای اعتبارات خرد زنان روستایی در توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک. کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم ، شیراز پژوهش شرکت ایده بازار صنعت سبز.

عبدی، ع.، تقدیسی، ا. و توکلی، ج. (۱۴۰۰). ارزیابی اثر اعتبارات خرد دولتی بر ابعاد اقتصادی کارآفرینی و اشتغال پایدار روستایی شهرستان جوانرود استان کرمانشاه. *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۱(۴۲): ۱۱۹-۱۳۶. https://doi.org/10.30495/JZPM.2021.3967

علی توکلی، ف. و موحدی، ر. (۱۳۹۵). نقش اعتبارات خرد در توسعه کار آفرینی زنان روستایی، *کارآفرینی در کشاورزی*، ۳(۳): ۳۹-۵۵. https://doi.org/10.22069/JEAD.2017.10380.1146

فقیری، م.، زرافشانی، ک. و علی‌بیگی، ا. ح. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی زنان روستایی استان کرمانشاه. *روستا و توسعه*، ۱۷(۳): ۱-۲۲. https://doi.org/10.30490/rvt.2018.59402

فکور، و. (۱۳۹۷). بررسی اثرات اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان زنجان. دانشکده علوم انسانی گروه جغرافیا. پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی گرایش برنامه‌ریزی کالبدی، دانشگاه زنجان.

قدیری‌معصوم، م و احمدی، م. (۱۳۹۴). سازه‌های مؤثر بر موفقیت اعتبارات خرد در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان فیروزکوه. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۷(۴): ۷۵۹-۷۷۲.
https://doi.org/10.22059/jhgr.2015.52462

کیانی، ف. و قنبری، ی. (۱۴۰۱). شناسایی و تحلیل نقش صندوق‌های اعتباری خرد در پیشرفت و آبادانی روستاها مطالعه موردی: شهرستان رزن و فامنین. *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*. ۵۴(۳): ۹۳۷-۹۵۲.
https://doi.org/10.22059/JHGR.2021.318139.1008247

گنج‌خانی، خ. (۱۳۹۴). ارزیابی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان با تأکید بر کارآفرینی گروهی؛ مطالعه موردی دهستان حومه. پایان‌نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی گرایش مدیریت توسعه پایدار روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان.

مافی، ف. (۱۳۸۵). اعتبارات خرد؛ ویژگی‌ها، تجارب، ملاحظات، راهبردها، مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

محمدی، ی.، عواطفی اکمل، ف. و ضمیری آراسته، م. (۱۳۹۷). اثرات تأمین مالی خرد و توانمندسازی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه: کرمانشاه-همدان. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*. ۷(۲۶): ۱۶۹-۱۸۷. http://serd.khu.ac.ir

محمدی یگانه، ب.، چراغی، م. و احمدی، ک. (۱۳۹۳). بررسی آثار اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی فقرای روستایی مطالعه موردی : دهستان غنی بیگلو، شهرستان زنجان. *جغرافیا و توسعه*، ۱۲(۳۵): ۲۳۳-۲۴۷.
https://doi.org/10.22111/GDIJ.2014.1565

مقدس‌فریمانی، ش.، میرترابی، م. س. و قائم‌مقامی، س. س. (۱۳۹۹). توانمندی اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: اعضای صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی استان زنجان). *راهبردهای توسعه روستایی*، ۲۷: ۳۴۷-۳۶۳.
https://doi.org/10.22048/rdsj.2021.250336.1877

مظفری، م. م. و ضیایی، م. ص. (۱۳۹۶). بررسی اثرات صندوق اعتبارات مالی خرد بر میزان توانمندسازی مدیریتی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه الموت). *دانش سرمایه‌گذاری*، ۶(۲۴): ۲۳۱-۲۵۰.

موسوی، س.ر. (۱۳۹۷). بررسی نقش صندوق‌های اعتبارات خرد زنان روستایی در ارتقاء کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی: شهرستان درمیان خراسان جنوبی). پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته مهندسی کشاورزی گرایش توسعه روستایی. دانشگاه بیرجند، دانشکده کشاورزی.

نوروزی ، ع.، فرهادیان، ه. و حسینیان، م. (۱۳۹۸). بررسی میزان توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی و خانوادگی زنان روستایی عضو صندوق‌های اعتبارات خرد منطقه سیستان. *راهبردهای توسعه روستایی*، ۶(۲): ۱۳۵-۱۴۴.
https://doi.org/10.22048/rdsj.2020.169642.1777

وفایی، ن. (۱۳۹۶). اثرات اعتبارات خرد بانک کشاورزی بر کیفیت زندگی خانوارهای آسیب‌پذیر روستایی شهرستان همدان. پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته ترویج و آموزش کشاورزی-گرایش توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه ابوعلی سینا.

Agboklou, K. E. and Ozkan, B. (2023). Analysis of

and Agribusiness,Postgraduate Program Directorate Haramaya University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science in Agriculture (Rural Development and Agricultural Economics).

Irge, T. W. and Kiran, K. (2022). Microfinance Impact on Poverty of Rural Households in Ethiopia: In Case of Jimma Rare Woreda. *International Journal of Research Publication and Reviews,* 3(3): 1633-1648.

Linh, T. N., Long, H. T., Chi, L. V., Tam, L. T., and Lebailly, P. (2019). Access to rural credit markets in developing countries, the case of Vietnam: A literature review. *Sustainability*, 11(5), 1468, 1- 18. http:// doi.org/10.3390/su11051468

Kyerewaa, V. A. and Saben-Fosu, P. (2022). Assessing the Impact of Microfinance and Small Loans Scheme (Masloc) as a Poverty Reduction Strategy in the Sunyani Municipality. *Journal of Economics and Sustainable Development,* 13(2): 29-43.

Mengesha, M. and Mishra, S. (2023). To Analyze the Effect of Microfinance Institutions on Women Empowerment, in Wolaita Zone, Southern Ethiopia. International Journal of Professional Business Review. 8(8): 1-21. https://doi.org/10.26668/businessreview/2023.v8i8.3646

Sathiabama, K. (2010). Rural women empowerment and entrap render ship development, ess student papers sathiabama/women empowerment, Download from http :// www ،Rural %20 women %20 Empowerment%20and%20 Entrepreneurship% development, pdf.

Shafique, O. and Naeem Khan, R. M. (2020). An Empirical Study on the Impact of Micro-Credit Financing on the Socio-Economic Status of Small Agriculturists in Pakistan. *Journal of Business and Social Review in Emerging Economies.* 6(3): 1051-1061.

Rice Farmers' Access to Agricultural Credit and Profitability in South TOGO. *Journal of Business, Economics, and Finance -JBEF,* 12(1), 1-14. http://doi.org/10.17261/Pressacademia.2023.1722

Akhter, J. and cheng, K. (2020). Sustainable Empowerment Initiatives among Rural Women through Microcredit Borrowings in Bangladesh, *Microfinance and Sustainable Development*, 12(6), 2275. https://doi.org/10.3390/su12062275

Ampah, S. N., Ambrose, J. O., Omagwa, J. O. and Frimpong, S. (2017). Effect of Access to Credit and Financial Services on Poverty Reduction in Central Region of Ghana. *International Journal of Business and Social Science,* 8(8): 49-60.

Asamoah, P. (2023). Impact of Micro Credit on Household Income: Evidence from Customers of Selected Rural Banks in Awutu Senya East Distict. A Thesis Submitted to the Department of Accounting and Finance, School of Business, Kwame Nkrumah University of Science and Technology in Partial Fulfilment of The Requirements for the award of the Degree of Master of Science in Accounting and Finance.

Berhanu, A., Amare, A., Gurmessa, B., Bekele, Y. and Chalchisa, T. (2021). Does microcredit use helps farmers win battle against food insecurity: evidence from Jimma zone of Southwest Ethiopia. *Agriculture & Food Security*, 1-17. 51 https://doi.org/10.1186/s40066-021-00323-8

Ding, Z. (2018). An analysis of the factors influencing choice of microcredit sources and impact of participation on household income. 30TH International Conference of Agricultural Economists July 28-August 2, 2018 | Vancouver.

Hassen, A. D. (2020). Impact of Participation in Microfinance on Income of Rural Poor Households: The Case of Shinile District of Sitti Zone, Somali Region, Ethiopia. A Thesis Submitted to School of Agricultural Economics

https://doi.org/10.26710/jbsee. V 6i3.1367

Waithaka, T., Marangu, W. N., and N'gondu, C. N. (2014). Entrepreneurship development by micro finance institutions effect on the growth of micro and small enterprises in Nairobi Central Business District: A case of Jitegemea credit scheme Nairobi. European Journal of Business and Management, 6(13), 177-186.